

مانند مسیح خدمت کنید



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی ۵: ۱۳، ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ مرقس ۱۲: ۳۴؛ افسسیان ۴: ۱۵؛ متی ۴: ۲۳ تا ۲۵؛ متی ۲۵: ۳۱ تا ۴۶.

آیه حفظی: «و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان سوخت زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند» (متی ۹: ۳۶).

مسیح واقعاً به مردم اهمیت میداد. او بیشتر از آنکه به خود اهمیت بدهد به نیازها و مسائل مردم توجه داشت و به آنان اهمیت میداد. زندگی او کاملاً وقف دیگران بود. رسالت او رحمت و محبت بود. او نیازهای جسمی، روحی، و عاطفی انسان‌های اطرافش را تامین می‌کرد و بدین ترتیب قلبهای آنان آماده پذیرش حقایق الهی می‌شد که او تعلیم میداد. همانطور که جذامی را شفا میداد، نابینا را بینایی و ناشنوا را شنوایی می‌بخشید، روح شریر را از جسم بیرون میراند، گرسنه را خوراک میداد، و نیازمندان را دلجویی میکرد، قلبهای آنان لمس می‌شد و زندگیشان تغییر میکرد.

انسان‌ها با دیدن محبت و دل‌نگرانی واقعی او، قلبهایشان را بر روی حقایق می‌گشودند که او تعلیم میداد. «تنها راه رسیدن به موفقیت واقعی در دستیابی به انسان‌ها روش مسیح است. منجی بر روی زمین آمد و با انسان‌ها یکی شد، زیرا که همه چیز را برای خیریت آنان میخواست. او همدردی و محبت خود را به انسان‌ها نشان داد، نیازهای آنان را تامین کرد، و اعتماد آنان را بدست آورد. و سپس به آنان گفت «مرا پیروی کن» (الن جی وایت، خدمت شفا، صفحه ۱۶۳). عیسی تشخیص داد که جهان به همان اندازه که به اعلان پیام انجیل نیاز دارد، به اثبات و تجلی آنهم نیاز دارد. شاهد زنده با زندگی مسیح گونه و متعهد خدمت به دیگران، اثبات و شهادتی قدرتمند است برای کلامی که ما بیان می‌کنیم و به بشارت ما اعتبار بیشتری می‌بخشد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ شهریور - ۲۲ آگوست آماده شوید.

طرز برخورد مسیح با مردم

عیسی همیشه برای دیگران در پی دیدن خوبی‌ها و شایستگی‌های آنان بود. او همیشه بهترین‌ها را از آنان استنباط میکرد. یکی از انتقادهایی که رهبران مذهبی روزگار وی نسبت به او داشتند، این بود که او «گناهکاران را می‌پذیرد و با آنان همسفره میشود» (لوقا ۱۵: ۲). آنها نگران بودند زیرا او با «گناهکاران» معاشرت می‌کرد. دیدگاه مذهبی آنان به جای تعامل، جاه طلبی بود. آنها زمانیکه عیسی در مورد خود گفت «زیرا من نیامده‌ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم» (متی ۹: ۱۳) شگفت زده شدند.

مذهب کاتبان، فریسیان، و صدوقیان مذهب دوری و اجتناب از گناه بود. آنها معتقد بودند، که «هر کاری که میتوانی انجام بده تا از گناه دور باشی و آلوده آن نشوی». اما تعلیم عیسی بطرز چشمگیری متفاوت بود. او به گودال تاریک دنیا آمده بود تا دنیا را رهایی بخشد، نه اینکه از آن دوری کند. او «نور جهان» است (یوحنا ۸: ۱۲).

متی باب ۵: ۱۳، ۱۴ را بخوانید. دو تمثیلی که عیسی برای توصیف پیروانش استفاده کرد، چه هستند؟ چرا از این دو تشبیه خاص استفاده کرد؟ همچنین نگاه کنید، یوحنا ۱: ۹، یوحنا ۱۲: ۴۶، و فیلیپیان ۲: ۱۵.

نمک یکی از مهم‌ترین منابع دنیای باستان بود. نمک بسیار ارزشمند بود و در برخی مواقع سپاهیان رومی از آن به عنوان پول استفاده می‌کردند. نمک، نماد دارایی بزرگی بود. همچنین برای حفظ و طعم دادن به خوراک از آن استفاده می‌شد. وقتی عیسی از نمک برای نشان دادن پیروان خود استفاده کرد، او واقعاً میخواست بگوید که ثروت واقعی جهان قدرتمندترین و ثروتمندترین مردم آن نیستند. ثروت حقیقی جهان، مسیحیان متعهدی هستند که برای پادشاهی خداوند دگرگونی ایجاد می‌کنند. اعمال مهربانانه و خدمت به دور از خودخواهی آنان منجر به حفظ نعمت‌ها و خوبی‌های دنیا میشود و فضای آنرا معطر میسازد.

دومین تمثیلی که عیسی از آن استفاده کرد (در متی ۵: ۱۴) «نور جهان» بود. جایی که نور باشد، در آن، تاریکی جایی ندارد. نور در تاریکی می‌درخشد. نور از تاریکی دوری نمی‌کند. نور در تاریکی رخنه کرده و آنرا مبدل به روشنایی می‌کند. پیروان مسیح باید بر تاریکی این جهان در هر محله، روستا، شهرک، و شهر نفوذ کنند و آنها را با جلال و شکوه خداوند روشن سازند.

پس از بررسی سخنان عیسی در یوحنا باب ۷: ۵۱ تا ۸۱ چگونه می‌توانیم ایده جدائی از جهان و پرهیز از جهان را درک کنیم؟ آیا آنها چیز مشابهی هستند؟ منظور عیسی چه بود، هنگامیکه برای پیروانش دعا کرد که در دنیا باشند ولی جزو دنیا نشوند؟ چگونه ما میتوانیم اینگونه باشیم؟

رفتار عیسی با مردم

هدف عیسی آشکار کردن جنبه های نیکوی انسان ها بود. حتی وقتی شرایط بطور غیر معمول چالش برانگیز بود، او با فیض برخورد کرد. بر اساس انجیل لوقا همه «از او به نیکویی می گفتند و از کلام فیض آمیزش در شگفت بودند» (لوقا ۴: ۲۲)، و انجیل یوحنا اضافه می کند «فیض و راستی به واسطه عیسی مسیح آمد» (یوحنا ۱: ۱۷). رفتار و رویکرد او باعث می شد که مردم در برابر او مقاومت نکنند. سخنان مهربانانه او تار و پود قلب آنان را لمس میکرد.

متی باب ۸: ۵ تا ۱۰ و مرقس باب ۱۲: ۳۴ را بخوانید. عیسی چه عبارات امیدبخشی مسیح به دو فرد متفاوت، یعنی یک نظامی رومی و دیگری یک عالم یهودی گفت؟

اظهارات مسیح به فرمانده نظامی رومی تحولی عظیم بود. فکر کنید که این افسر نظامی چه حسی باید داشته باشد وقتی عیسی اعلام کرد که چنین ایمانی را حتی در اسرائیل هم ندیده است. همچنین در مورد افکار عالم یهودی فکر کنید وقتی عیسی به او گفت «شما از پادشاهی خدا دور نیستید». مسیح این توانایی را داشت که شایستگی های افراد را ببیند و بیان کند. گاهی رفتاری کوچک ثمره ای بزرگ دارد، مانند تعریف از افراد که برای باز کردن قلبهای آنان و پذیرش پیام انجیل کافی است. به دنبال دیدن خوبی های انسان های اطراف خود باشید و اجازه دهید تا آنان بدانند که قدردان آنان هستید.

اشعیا ۴۲: ۳؛ کولسیان ۴: ۵، ۶؛ و افسسیان ۴: ۱۵ را با هم مقایسه کنید. این آیات چه اصول اساسی درباره اشتراک گذاری ایمان با دیگران و رابطه ما با آنان، تعلیم می دهند؟

هنگامیکه سخنان ما دلگرم کننده و پر از فیض باشد، تاثیرات مثبتی بر روی زندگی دیگران دارد. سخنان اشعیا نبی آشکار می کند که عیسی مسیح «نی خرد شده را نخواهد شکست»، و «فتیله کم سو را خاموش نخواهد کرد». به عبارت دیگر، عیسی چنان دلسوز، مهربان و مراقب بود که مبدا بدون دلیل کسی را که تازه ایمان آورده آزرده خاطر نکند و یا شعله های کوچک ایمان را در دلشان خاموش نکند.

چرا، طرز بیان آنچه که ما میخواهیم بگوییم بسیار مهم است، حتی شاید مهمتر از آنچه که میخواهیم بیان کنیم؟ نظر شما در باره این مطلب «حقیقت، حقیقت است» چیست و اینکه مردم یا باید آنرا بپذیرند یا آنرا ترک کنند؟ چه اشکالی در این بیانیه درست وجود دارد؟

۲۸ مرداد

سه شنبه

خدمات شفای مسیح: بخش اول

طریق بشارت خداوند ما فراتر از موعظه های از حفظ شده و یا بیانات کنسروی است؛ بشارت او به غنا و پویایی زندگی است. ما هر روز با انسان هایی که انواع و اقسام نیازها را دارند، در تماس هستیم: جسمی، روانی، عاطفی و روحانی. مسیح مشتاق است که نیازهای آنان را از طریق ما برطرف سازد، یعنی همانطور که ما نگرانی خود را نسبت به تنهایی، اندوه و غم دل های آنان نشان میدهیم و علاقمند و شادان از شادی، امید و رویاهای آنان هستیم.

مسیح به انسان هایی که احساس نیاز می کردند خدمت میکرد، تا در نهایت بتواند اصلی ترین نیاز آنان را برطرف سازد. حس نیاز، بخشی از زندگی است که مردم حس میکنند که تا به حال نتوانسته اند به تنهایی آن را در زندگیشان حل کنند. این ممکن است، ترک سیگار، کاهش وزن، تغذیه بهتر، و یا کاهش استرس باشد. این مسئله میتواند، نیاز به خوراک، مسکن، و یا مراقبت های پزشکی باشد و یا حتی نیاز مشاوره برای ازدواج یا مسائل خانوادگی باشد.

با اینحال، یک نیاز غایی وجود دارد که مهم ترین و اصلی ترین نیاز انسان است، آنهم رابطه شخصی با خدا و درک اهمیت ابدیت در زندگی انسان است. صلح و آشتی با خدا در این دنیای سقوط کرده در گناه، نیاز اصلی ما است.

داستان مرد فلج در متی باب ۹: ۱ تا ۷ و حکایت زنی که مشکل خون ریزی داشت را در مرقس باب ۵: ۲۵ تا ۳۵ بخوانید. در هر دو حکایت ما چه نشانه هایی داریم که نشان میدهند، عیسی شفای جسمی را با تامین نیاز نهایی انسان یعنی آشتی با خدا را بهم ربط میدهد؟

هدف خدمات شفای مسیح فراتر از بهبودی جسمی و عاطفی بود. عیسی میخواست تا انسان ها کمال و تمامیت حیات که بوسیله گناه از بین رفته بود را تجربه کنند. برای مسیح، شفای جسمی بدون شفای روحانی کامل نبود. اگر محبت خدا مشوق ما در طلب

بهبودی جسمی و عاطفی برای یک فرد است، همچنین خیلی بیشتر به ما انگیزه می بخشد تا خواستار سلامتی روحانی آن فرد باشیم تا او بتواند کمال زندگی را در اینجا تجربه کند و از طریق آن به جاودانگی برسد. از این گذشته، هر شخصی را که مسیح شفا داد، سرانجام درگذشت. بنابراین، نیاز واقعی آنان بالاتر از شفای جسمی یا هر نیاز دیگری بود، یعنی همان نیاز روحانی، آیا اینطور نبود؟

چه نوع ابتکاراتی را کلیساهای ما می‌توانند در جوامع برای تامین نیازهای مردم به کار گیرند تا نشان دهد، ما واقعاً به آنها اهمیت میدهیم؟ به افراد جامعه خود فکر کنید. چه کاری را کلیسای شما در جهت ایجاد تغییر در زندگی مردم میتواند انجام دهد؟

۲۹ مرداد

چهارشنبه

خدمات شفای مسیح: بخش دوم

متی باب ۴: ۳۲ تا ۵۲ و متی باب ۹: ۵۳ را بخوانید. شیوه‌های سه گانه ای که اساس رسالت او را تشکیل میداند، چه بودند؟ چگونه او نیازهای مردم را برطرف میکرد و اینکار چه تاثیری در زندگی آنان میگذاشت؟

مسیح در خدمت خود به مردم سه چیز یعنی تعلیم، موعظه و شفا را در کنار هم بکار گرفت. او اصول حیات ابدی را با انسان‌ها در میان گذاشت تا همه ما بتوانیم یک زندگی با معنا و هدفدار را تجربه کنیم. او گفت «من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند» (یوحنا ۱۰: ۱۰). رسالت او بیانگر فراوانی فیض و رحمت است. و مسیح آمد تا ما را قادر سازد تا در «فراوانی» حیات از حال تا به ابد زندگی کنیم و از آن بهره مند شویم.

مرقس باب ۱: ۳۲ تا ۳۹ را بخوانید. عیسی در تمام روز به شفای بیماران و دفع ارواح شریر مشغول بود. بعد از دعای صبحگاهان در روز بعد، وقتی بسیاری از مردم برای شفا نزد او آمدند، وی آنجا را ترک کرد و به شهر دیگری رفت. چرا او آنان را شفا نداد؟ به دلیل او در آیات ۳۸ و ۳۹ توجه کنید.

این داستان حکیمانه است. بعد از شفای بسیاری در روز قبل از آن، روز بعد عیسی مسیح جمعیتی را ترک میکند که در پی او بودند و هنوز نیاز به شفا داشتند. توضیح او در آیات ۳۸ و ۳۹ باب ۱ مرقس اینست که او به این جهان آمده است تا پیام انجیل را موعظه کند. مسیح صرفاً به این دنیا نیامده بود تا نقش یک معجزه گر شگفت انگیز را بازی کند. او پسر آسمانی خدا بود، کسیکه برای انجام رسالت رستگاری و نجات انسان آمده بود. او نیامده بود تا فقط بیمارهای جسمی انسان را درمان کند. او مشتاق بود تا همه مردم هدیه نجات و زندگی ابدی را که هدیه او را دریافت کنند. او به روشنی هدف خویش را از آمدن به این جهان را با این کلمات بیان می کند «زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد» (لوقا ۱۹: ۱۰). هر عمل شفابخشی که او انجام داد فرصتی بود برای آشکار ساختن شخصیت خداوند، تسکین آلام انسان، و فرصتی برای دریافت حیات ابدی.

اگر شما فقیر و یا مریض باشید، آیا هنوز این امکان وجود دارد که در فراوانی و برکات زندگی که مسیح به شما میدهد، زندگی کنید؟ آیا مسیح چیزی بیش از شفای جسمی به مردم میبخشد؟ با چه روش‌های عملی میتوانیم در عین حال که به نیازهای جسمی و عاطفی مردم توجه و آنها را تامین می کنیم، آنان را بسوی حقایق روحانی نیز سوق دهیم؟

۳۰ مرداد

پنجشنبه

چه چیزی برای عیسی مهم است

در متی باب ۲۴، پیام عیسی به حواریون که شامل وقایع مربوط به تخریب بیت المقدس و روزهای قبل از بازگشت او است، با بیان سه تمثیل در باب ۲۵ ادامه می‌یابد. این تمثیل‌ها ویژگی‌های شخصیتی را نشان میدهند که واقعاً برای مسیح مهم بودند و او میخواست تا آنها را در مردمی که منتظر بازگشت دوباره او هستند، ببیند. تمثیل ده باکره تأکید بر اهمیت یک زندگی خالص، قابل اعتماد و روحانی دارد. تمثیل ده قنطار دلالت بر بکارگیری و استفاده صادقانه از هدایایی است که خداوند به هر یک از ما داده است. تمثیل گوسفندان و بزها نشانگر مسیحیان حقیقی است که واقعاً در جهت تامین نیازهای کسانی که خداوند هر روزه بر سر راه آنان در زندگی قرار میدهد، تلاش می‌کنند.

متی باب ۲۵: ۳۱ تا ۴۶ را بخوانید. چگونه مسیح، مسیحیت حقیقی را توصیف می‌کند؟ مواردی از خدمت که در این آیات در مورد آنها صحبت شده را بیان کنید.

گرچه این تمثیل‌ها از تامین نیازهای واقعی جسم انسان‌ها سخن می‌گویند [جنبه ای از داستان که نباید از آن غافل شویم]، آیا ممکن است در اینجا چیزی بیش از این وجود داشته باشد؟ عیسی مشتاق است که گرسنگی و تشنگی پنهانی که در روح انسان وجود دارد، برآورده شود (یوحنا ۶: ۳۵، یوحنا ۴: ۱۳، ۱۴). همه ما تا زمانیکه در مسیح هويت حقیقی خود را کشف نکنیم، بیگانگانی دور از مسیح و در آرزوی یافتن خانواده الهی خود هستیم (افسیان ۲: ۱۲، ۱۳، ۱۹). ما تا لباس عدالت مسیح را نپوشیم، از نظر روحانی عریان هستیم (مکاشفه ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۱۹: ۷، ۸).

اغلب انبیای عهد عتیق، اوضاع و احوال انسان را به ناامید بیماری توصیف می‌کنند (اشعیا ۱: ۵؛ ارمیا ۳۰: ۱۲ تا ۱۵). بیماری گناه کشنده است، اما ارمیای نبی علاج آن را به ما نشان می‌دهد. «من سلامت را بر تو بازگردانده، زخم‌هایت را شفا خواهم بخشید» (ارمیا ۳۰: ۱۷). مسیح درمان و شفای بیماری مهلک روح ماست.

حکایت گوسفندان و بزها به ما اندرز می‌دهد و آگاهی میبخشد که نیازهای جسمی انسان‌های اطراف خود را تامین کنیم، اما این حکایت مفهوم بیشتری را میخواهد بیان کند. این داستان مسیح است، کسیکه مهم‌ترین نیاز روح را تامین میکند، و این فراخوان او برای همکاری با او در خدمت به انسان‌های اطراف ما است. زندگی خودخواهانه و خودمحور و کوتاهی از تامین نیازهای جسمی، روحی، عاطفی، و روحانی دیگران، خطری برای ازدست دادن ابدیت است. در این حکایت، آن کسانی که حیات خود را برای چیزی به غیر از منافع خودشان میدهند، توسط پروردگارشان ستوده میشوند و با خوشرویی در ملکوت خدا پذیرفته میشوند. در حالیکه کسانی که با خودخواهی در پی مقاصد خود هستند و نیازهای دیگران را نادیده میگیرند توسط پروردگارشان محکوم میشوند.

جمعه

۳۱ مرداد

تفکری فراتر: «بسیاری به خدا ایمان ندارند و اعتماد خود را به انسان از دست داده‌اند. اما آنها از اعمال دلسوزانه و مفید قدرانی می‌کنند. همانطور که آنها می‌بینند کسی بدون چشمداشت به تمجید و قدردانی زمینی یا بدون دریافت چیزی، به خانه‌های آنان می‌آید و بیماران را شفا، گرسنگان را خوراک، برهنگان را پوشاک، و انسان‌های غمگین و رنج‌دیده را تسلی و آرامش میبخشد، با مهربانی همه به او اشاره می‌کنند، کارگر انسان، کسیکه به انسان عشق میورزد و دل نگران اوست، اما او پیام آور خداست، و همانطور که آنها این را می‌بینند، قلبهای آنان لمس میشود. حس شکرگزاری در آنان بارور میشود و ایمان آنان مشتعل میگردد. آنها می‌بینند که خدا به آنان اهمیت میدهد، و قلبهای آنها آماده میشود تا کلام او را بپذیرند» (ال‌ن جی وایت، خدمات شفا، صفحه ۱۴۵).

خدمت فداکارانه و غیر خودخواهانه عیسی در قلبها را بروی او باز می‌کند، غرور و تعصب را میشکند، و قلبها را آماده پذیرش پیام انجیل می‌کند. کلیسا بدن مسیح است

که در همه جا با مهربانی نیازها را برطرف میکند. مسیح ما را به درون جوامع خودمان میفرستد تا در نام او تحول و تغییر ایجاد کنیم. گرچه، مسلماً، ما باید مراقب باشیم که آلوده جهان نشویم (و این یک تهدید بسیار واقعی و خطرناک برای کلیسای ماست)، ما همچنان باید یاد گیریم که به انسان‌ها در جایی که هستند دست یابیم و اجازه دهیم که خدا ما را بکار گیرد، خدایی که می‌خواهد ما انسان‌ها را از جایی که هستند به جایگاهی که باید باشند هدایت کنیم.

سؤالاتی برای بحث

۱. چرا خدمات دلسوزانه مسیح در از بین بردن غرور و تعصب مردم و آماده کردن آنها برای شنیدن حقایق روحانی بسیار قدرتمند است؟ سعی کنید تصور کنید که چقدر بیشتر شهادت ما به عنوان یک امت میتواند موثرتر باشد، چنانکه ما هم همان دل نگرانیها و از خودگذشتگی هایی را که مسیح برای مردم انجام داد، از خود نشان دهیم.

۲. در مورد زمانی فکر کنید که مطلبی را بیان کرده‌اید که ممکن است، صحیح، حقیقت، یا حتی ضروری بوده، اما شما آن را به طرز صحیح بیان نکرده اید، یعنی با لحن و یا رفتار بد ادا کرده‌اید. چه چیزی را از این تجربه آموخته‌اید که میتواند به شما کمک کند که اینکار را دوباره تکرار نکنید، مثلاً: قبل از سخن گفتن، کمی تأمل و صبر کنید، فکر کنید، آرام باشید، و یا مانند اینها؟

۳. بر روی این عقیده که، تمام افرادی که شفا یافتند و یا حتی از میان مردگان زنده شدند، سرانجام می‌میرند، بیشتر بیندیشید. این مسئله در مورد چگونگی دستیابی و خدمت به کسانی که در اطراف ما هستند، چه می‌گوید؟

۴. کلیسای شما چه نوع خدماتی را میتواند در جامعه شما انجام دهد که در حال حاضر انجام نمی‌دهد؟

۴. چگونه میتوانیم از طریق خدمت‌مان در تأمین نیازها، فرصت های روحانی را برای جویندگان ایجاد کنیم؟